معصومه اصغری

بررسی مشکلات و سنگ‌اندازی‌های پیش‌روی فعالان حوزه تفکیک پسماند در گفت‌وگو با یکی از فعالان

حاضرند زباله را دفن کنند؛ اما به ما ندهند

سیاست‌های اصلاحی در حوزه مدیریت پسماند یکی از ناکارآمدترین سیاست‌های مدیریت شهری طی سال‌های گذشته تاکنون بوده است. عمده شهرداری شهرهای بزرگ در این عرصه کمیشان می‌اندکو و نتوانسته‌اند سازوکاری مناسب برای هرکدام از مراحل جمع‌آوری، تفکیک و دفن و تبدیل پسماندها داشته باشند. هنوز حجم عظیمی از زباله در شهرهای بزرگ یکی از اصلی‌ترین راهگرهای شهرهای شهرهای بزرگ است. رویکردی که در برخی از شهرها مانند سراوان در گیلان به یک معضل جدی و حیاتی در چند دهه تبدیل شده است. روزانه بین ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ هزار تن زباله در شهرهای کوچک تا شهرهای بزرگی مانند تهران تولید می‌شود که بدون استفاده از قابلیت‌ها در ابتدایی‌ترین شکل به محل‌های دفن می‌رسند و زیر خروارها خاک دفن می‌شوند. سلول دفن بهداشتی را که در تهران از چند سال قبل ایجاد شده، چند شهر دارند؟ فیلتر زباله‌سوزها چند وقت یک بار تعویض می‌شود؟ تولید کود و کمپوست یا تولید برق از زباله‌های تر چقدر صرفه اقتصادی دارد و به‌عنوان یک مسیر درآمد پایدار شهر چقدر دنبال می‌شود؟ و مهم‌تر اینکه چرا بعد از این همه سال هنوز متوالیان این حوزه از شهرداری و محیط زیست و وزارت کشور و سازمان شهرداری‌ها گرفته تا علوم پزشکی و بیمارستان‌ها و سرمایه‌گذار و پیمانکار بخش خصوصی با هم هماهنگ نیستند و هرکدام ساز خودشان را می‌زنند؟ گفتن ندارد که زباله یکی از ظرفیت‌های خوب درآمدزایی و اسـتفاده بهینه برای شهر اسـت و در تمام دنیا تلاش شده تا این عامل تهدید را به فرصت‌هایی با درآمدهای پایدار تبدیل کنند. آنچه در شـهرهای ایران در حوزه پسـماند شاهد هستیم، بسیتمی معیوب و محدود از ماشـین‌آلات جمع‌آوری و کارکنانی ناراضی در یک سو و پیمانکاران و دست‌اندرکارانی بیدا و پنهان در شهرداری و بیرون از آن از سـوی دیگر اسـت. چندین دهه است که در میانه عدم شکل‌گیری یک سیستم کارآمد و با صرفه اقتصادی برای جمع‌آوری پسـماند شهری فرصت‌طلبانی به صورت غیرمجاز یا با مجوزهای شهرداری، سـیستم جمع‌آوری و تفکیک پسماند خشک شهرها را با استثمار افراد نیازمند یا مهاجران غیرقانونی افغان به دست گرفته‌اند. شاید آمار دقیقی از درآمد این مخازن مشـمئزکننده و متعفنی که سـریع از کنار آن می‌گذریم وجود نداشته باشد اما برخی دست‌اندرکاران این چرخه می‌گویند چرخش مالی این حوزه صدها میلیارد تومان است که حتما بخش زیادی از آنها به شهرداری‌ها و پیمانکارانشان یا افراد مرتبط با آنها برمی‌گردد. قسـمت ناراحت‌کننده ماجرا اینجاست که این پول به چرخه شهر و تأمین نیازهای آن هم برنمی‌گردد که اگر این‌گونه بود، در همه این سال‌ها شاهد خودکفایی شرکت‌های پسماند در بودجه‌هایشان و نوسازی ناوگان و بسیاری اتفاقات جدید در این عرصه می‌بودیم. در این میان برخی اقدامات شهرداری‌ها برای اصلاح شرایط و بهره بیشتر از این سرمایه ارزشمند شهری هم دچار مشکلات فراوان است که نمونه‌های متوقف و روی هوا مانده بسیاری از این پروژه‌ها را در شـهرهای مختلف بارها دیده‌ایم. راه‌اندازی سـایت پیرولیز و اورهال کارخانه کمپوسـت شهر کرج و تولید محصولی ارزشـمند از میان هزاران تن نایلون و پلاسـتیک یکی از این اتفاقات خوب در شهر کرج بوده که متأسفانه چند سالی است متوقف مانده و با این توقف سالانه حداقل ۱۰۰ میلیارد تومان در جیب سوءاستفاده‌کنندگان تفکیک غیرمجاز در البرز می‌ریزد.

با محمد چابلو، مدیر سـایت پیرولیز و بیوکمپوسـت کرج، درباره تلاشی که در چند سـال اخیر برای راه‌اندازی و فعال نگه‌داشتن این مجموعه و سنگ‌اندازی‌هایی که وجود داشته صحبت کردم که از این گفت‌وگو می‌توان متوجه شد که ایراد کار موضوعی بسـیار سـاده و قابل حل است. اما همچنان این وضعیت ادامه دارد. سایت پیرولیز زباله (آتشکاف - تقطیر تخریبی) کرج از سال ۹۴ شروع به کار کرده اما در این سال‌ها چندین مرحله را از سر گذرانده و هنوز به نقطه مطلوب نرسیده و متوقف مانده است.

چابلو با بیان اینکه سایت پیرولیز کرج اولین و تنها سایت پیرولیز کشور بوده که در کرج راه‌اندازی شده، توضیح می‌دهد: در این سایت همه نایلون‌ها و پلاستیک‌های خطوط مختلف جدا و در این خط به هیدروکربن (نوعی مکمل سوختی) تبدیل می‌شود که برای سوخت پتروشیمی‌ها و کوره‌ها از آن استفاده می‌شود.

او با تأکید بر اینکه یکی از معدود شـرکت‌های فعال در این زمینه هسـتیم که سرمایه‌گذاری قابل توجهی در این زمینه کرده‌ایم، افـزود: این مجموعه در حال حاضر ظرفیت روزانه ۲۰ تا ۵۰ تن را دارد و به این ترتیب از دفن روزانه ۵۰ تن نایلون جلوگیری می‌شود اما متأسفانه در مسیر اجرای این پروژه سنگ‌اندازی زیادی صورت گرفته است. همان ابتدای کار و پس از اجرای کار برای پروانه بهره‌برداری مشکلات زیادی داشتیم و چند ایراد ما به ما وارد می‌کردند و در نهایت در سال ۹۸ بالاخره پروانه بهره‌برداری را گرفتیم و اجازه فعالیت از سازمان محیط زیست و صنعت و معدن را دریافت کردیم.

این کارآفرین در حوزه پسماند در توضیح بیشتر گفت: مشکل اصلی این بود که مواد اولیه یعنی زباله مخلوط با نایلون جداشـده را به ما تحویل نمی‌دادند و کارخانه کمپوسـتی که آنجا قرار داشـت حاضر بود هزاران تن نایلون را دفن کند اما آن را به ما ندهند. با پیمانکاران کمپوسـت شهرداری کرج مشکلات زیادی داشتیم و در زمانی هم که پیمانکار کمپوست با شهرداری اختلاف پیدا کرد و کارخانه تعطیل شد، عملا کار ما هم متوقف شد و دو سال و نیم تعطیل بودیم.

او گفت: پس از این شرایط به این نتیجه رسیدیم که خودمان کارخانه کمپوست را اورهال و راه‌اندازی کنیم تا مواد اولیه را هم در اختیار داشته باشیم و به این ترتیب وارد مناقصه شدیم. آنها از ما چند خواسته داشتند و در مقابل ما هم مطالباتی داشـتیم؛ از جمله تعهدات ما اورهال کارخانه کمپوسـت و تولید کود کمپوسـت بود که انجام دادیم اما آنها در مقابل به تعهداتشان عمل نکردند. در این مدت که کارخانه کمپوست در دست پیمانکار دیگری بود، زباله‌ها را به نام کود کمپوست زیر خاک دفن می‌کردند و زمانی که با ما قرارداد بسته شد، بیش از شش هزار ماشین زباله دیوشده را تحویل دادند.

چابلو در ادامه گفت وقتی کارخانه کمپوسـت را در اختیار گرفتیم، حدود ۱۳ میلیارد تومان هزینه کردیم تا دوباره زنده شـود و در نهایت کارمان را برای تولید کمپوسـت شـروع کردیم و بهترین نوع کود کمپوسـت را در کشور تولید کردیم که مشـتری‌های زیادی داشـتیم و ثبت اختراع بابت نوع کود تولیدی‌مان داریم که حرف اول را در کشـور می‌زند. همه امور به‌خوبی پیش می‌رفت تا اینکه پس از یک سـال و نیم به علت اشـکالات غیبراوقفی که وارد کردند، کارخانه کمپوسـت و پیرولیز از آبان ۱۴۰۰ تعطیل اسـت و یک اختلاف حقوقی بین ما وجود دارد و در همه این مدت زباله‌ها همه دفن می‌شود.

او درباره دلیل عدم همکاری پیمانکار با شـهرداری با این پروژه گفت: پیمانکار تفکیک شـهرداری اجازه نمی‌داد برای جدا کردن نایلون اقدام کنیم و خودشـان هم این کار را نمی‌کردند. واقعیت این اسـت که بسیاری از این پیمانکاران اطلاعات ندارند و نمی‌دانند این روند چطور اسـت. در عین حال تولید کود صرفه اقتصادی برای این پیمانکاران ندارد و به همین دلیل پیمانکاران فقط به دنبال تفکیک و فروش ضایعات هسـتند و به اسم درسـت‌کردن کود آنها را فقط زیر خاک دیو می‌کنند.

این کارآفرین در حوزه پسماند می‌گوید برای کارخانه پیرولیز بیش از ۴۵ میلیارد تومان و برای اورهال کارخانه کمپوست هم حدود ۱۳ میلیارد هزینه شده اسـت که قرار بود در مدت ۶۰ ماه این هزینه‌ها برگردانده شود که عملا این روند اجرا نشد. او افزود: قرار بود در بخش تفکیک و بازیافت روزانه ۶۰۰ تا ۷۰۰ تن زباله به ما تحویل بدهند تا امکان تفکیک ۱۰۵ درصد را داشته باشیم اما عملا شهرداری با دادن اجازه برداشت از مخازن سطح شهر به همه پیمانکاران چرخی چیزی برای ما باقی نگذاشت و تفکیک ما به زیر یک درصد رسید و عملا دستمان خالی بود.

چابلو افزود: هرکدام از این پیمانکاران چرخی یک منطقه از شهر را از شهرداری به مبالغی بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون اجاره ماهانه کرده بودند و مافشتان در فعالیت همین افراد چرخی و وانتی است و می‌توان گفت به ازای هر مخزن زباله دو نفر چرخی وجود دارد؛ در این شـرایط که همه زباله از همان مخزن تفکیک می‌شـود، دیگر چیزی جز زباله تر برای کارخانه ما نمی‌ماند و دیگر چرخ کارخانه پیرولیز نمی‌چرخد. به این ترتیب اصل سرمایه‌گذاری که ما در این کارخانه داشتیم برنمی‌گردد و تماما ضرر کردیم. او با تأکید بر اینکه عامل بابداری و ادامه فعالیت این افراد چرخی در جمع‌آوری پسماند شهری همین عملکرد شهرداری است که با همین واگذاری حداقل سه میلیارد تومان ماهانه درآمد از پسماند مناطق خود دارد، افزود: من مشخصی این حوزه هستم و دکترای کارآفرینی دارم و در این حوزه با سرمایه‌گذاری تلاش کردم همکاری کنیم اما متأسفانه از سـمت مقابل همکاری وجود ندارد و پای فشـار و نفوذ افرادی که در این چرخه هسـتند و منفعت زیادی دارند در میان اسـت و نمی‌گذارد این روند مفید برای شهر به نتیجه برسـد. او با بیان اینکه به خاطر شهر و حتی سرمایه‌گذاری خودمان دلمان می‌سوزد که این همه زحمت کشیده‌ایم و در این مدت بیگیر کار بوده‌ایم و افزود: از دفتر استاندار تا امام جمعه و سایر مسئولان آستانی همه در جریان کار ما هستند اما عملا کسی قدمی برنمی‌دارد. ما این امکان و سفارش را در استان‌های دیگر داریم و در همین اسـتان همسایه یعنی قزوین درخواست کار داریم اما دلمان می‌سوزد که در شهر خودمان نمی‌توانیم کار کنیم. چابلو می‌گوید: آنها حتی زباله‌سوزهایی را برای زباله‌های ویژه و بیمارستانی خریداری کردهاند که فیلترهای مناسب را هم دارد اما شهرداری و علوم پزشکی و محیط زیست برای فعال‌کردن آنها همکاری نکرده‌اند و همچنان ترجیح می‌دهند این زباله‌ها را غیربهداشتی دفن کنند.

نگاه به یک تراژدی انسانی؛ رویکردی متفاوت نسبت به تصویری ناراحت کننده اما تکراری از مخازن زباله در شهر!

آنهایی که «طلای آلوده» را قورت می دهند

معصومه اصغری: تصویر خرشـــدن کودکان در مخزن زباله که گوئی چند برابر بزرگ‌تر از خودشـــان را به دوش می‌کشند یا با یک چهارچرخ قراضه دور و اطراف مخازن و خیابان‌های شـــهر می‌گردند یا فیلم‌ها و تصاویر و خبرهای مختلفی که هر روز از درکیری و زد و خورد و کتک‌زدن این افراد می‌بینیم. این بار کمی دورتر بایستیم و اتفاقات پیرامون این مخازن با ارزش زباله را از زاویه‌ای دیگر نگاه کنیم. همه داستان زندگی آن افراد و اتفاقاتی که برایشان در جریان جمع‌آوری زباله می‌افتد در آن لحظه خرشـــدن در مخزن خلاصه نشده اما از منظر به عنوان یک شهروند دیدن تنها همین یک صحنه بسیار ناراحت‌کننده و شـــاید از دید برخی مشمئزکننده باشد. چطور سرشان با دستشـــان یا کل بدنشان را در مخزن زباله‌ای که به‌خصوص در تابستان مملو از شـــیرابه و حشرات و بوی متعفن می‌شود و حتی نمی‌توانیم از کنارش رد بشویم، می‌برند؟ چطور در زباله‌ها می‌کردند و پسماند خشک را جمع می‌کنند و در معرض انواع بیماری و آلودگی و بوی تعفن قرار می‌گیرند؟

محمد واحد می‌گوید یک سالی می‌شود که از افغانستان آمده و چرخی شده و پسماند خشک جمع می‌کند. وقتی رسیدم تا حرف بزنیم داشت یک سری کارتن را توی جوی آب خیس می‌کرد تا بهتر فشرده و جمع شود. صبر کردم تا از توی جوی آب و زباله‌ها سـرش را دربیاورد و بعد لحظه فرصت حرف‌زدن پیدا کند. شـاید خیلی از رفتارشان معلوم نباشد اما انکار برای جمع‌کردن پسماند خشک هر محله و خیابان یک عجله و فرصت محدودی دارند. چون علاوه بر ماموردهای شهرداری، کشـت‌های پیمانکار شهرداری یا چرخی‌های شـهرداری ممکن است سر برسند. می‌دانم چرخی متفرقه اسـت و کار و رفتار مختل می‌کند اما من افراد را از دیـد او هم به ماجرا کاملا کنم. محمد حدود چهار سـاعت در این محدوده وقت جمع‌کردن زباله دارد، سـه نفر فرسـتد و کل خیابان را تقسـیم کرده‌اند. سر ظهر خنود خیابان شـلوغ نشده و راحت جولان می‌دهند و کارشان را می‌کنند. می‌گوید ۱۷ سالش شده اما از آن چهره معلوم اسـت سنش را دقیق نمی‌گوید و تاکید دارد به اندازه بلندنگردن آن کوتی توان دارد و همین کافی است. از پول پسماند که الان کیلویی چند است می‌پرسم. مردد نگاه می‌کند و با دادوری می‌کنم که از شهرداری نیسـتم و فقط سؤال از طرف خودم است. می‌گوید الان حدود کیلویی ۷۰۰ یا ۸۰۰ می‌شـود ولی متغیر اسـت و کم و زیاد دارد. همه چیز با هم جمع می‌کنند و در طول روز بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلو به طور متغیر می‌کنند. محمد واحد می‌گوید شـاید پیمانکار ما همین پسماند را تا کیلویی ۱۰ هزار تومان هم بفروشد ولی برای ما همین مبلغ خیلی مهم اسـت و شاید بیشتر هم باشد، من همین‌قدر می‌دانم.

محمـد واحد همراه تعـدادی دیگر از هموطنـان و همکارانش در محلی که پیمانکار برایشـان در نظر گرفته می‌مانند و می‌خوابند و مبلغی از حقوقشـان کم می‌شـود و گویا این روندی است که بیشتر این کارگران مقاوله چرخی و پیمانکاری برای اسـکان خود دارند. محمد و چند برادرش با هم در یک اتاق هسـتند و بقیه بـه همین ترتیب و از این شـرایط هم راضی هسـتند. می‌گویم با ایـن کار و بوی تعفن و سـر را بردن توی مخزن مشـکلی ندارد؟ تا به حال مریض نشدی؟ لبخند عمیق‌داری که یعنی این چه سـؤالی بود! می‌زند و می‌گوید: خب مریضم بشـیم، چی می‌شه مگه! بوی بد هم اولش سخته بعدش دماغت عادت می‌کنه!

احمد و دوسـتش را وقتی دیدم که داشـتند با مامور کشـت شهرداری حرف می‌زدند و طوری التماس می‌کردند که چرخشـان را نبرد. مامور با دسـت اشاره می‌کـرد که من و چند نفر دیگر که ایسـتاده بودیم، آنجا نمانیم و کاری نداشـته باشـیم. بعد هم کیسـه روی چرخ احمد را روی زمین پرت کرد و چرخ را پشـت ماشیـنشان گذاشـتند و رفتند. احمد البته خیلی نگران نبـود و می‌گفت مورپیم ناحیـه و ممکن اسـت بهمان پس بدهنـد. اگر هم ندادند چند روز روی دوشـم می‌گذارم تا یکی جدید درسـت کنم. آنها هم رقم فروش پسـماند مخلوطشان را همان حدود ۲۰۰ تومان گفتند؛ رقمی که با یک سـرج سـاده می‌توان فهمید چه فروش واقعی آن چندین برابر اسـت اما سـهم آنها در اولیـن و آلوده‌ترین مرحله از چرخه بسـماند، کمترین عدد اسـت. احمد نگران دورزدن و برگشـتن کشـت شـهرداری اسـت و می‌خواهد برود و می‌گوید باید زودتر کارشـان را تمام کنند و خیلی زود دور می‌شوند و به سمت شهرداری ناحیه می‌روند.

یک روز هم سـراغ همان مامور شهرداری می‌روم. کشت نبودن دارند و هر روز در همان حوالی و خیابان‌ها می‌چرخند و با این چرخی‌ها برخورد می‌کنند. می‌پرسـم چرا چرخشـان را می‌گیرید و کوتی را نمی‌برید؟ می‌گوید وقتی چرخ نداشته باشند مجبـورند کمتر جمع کنند و خواه ناخواه پسـماند کمتری جمع می‌شـود. او هم جمله «کارمان اسـت دیگر» را می‌گوید که شبیه همان جمله «مأموریم و معذور» است. همه ما در این چرخه اشتباه در جایی اشتباه قرار گرفته‌ایم و نمی‌دانیم باید با این تناقض‌ها چه کنیم.

مامور کشت شهرداری می‌گوید این آشغال‌ها از نگاه شما آشغال است که حالا اگر چند تکه از آنها را این افراد جمع کنند اشکالی ندارد اما شهرداری همه اینها را حساب کرده و پولش را از پیمانکار گرفته و در واقع این پسـماندها از جیب پیمانکار کم می‌شـوند وگرنه پولش نه به جیب ما می‌رود و نه ما راضی به کرسـه‌ماندن و برخورد با این افراد که خیلی‌هایشـان بچه و کمپس هسـتند، نیستیم. خیلی از جوان‌دادن به سـؤال‌خوشـش نمی‌آید و می‌خواهند بروند. به بنده ماشین اشـاره می‌کند و می‌گوید «این کارها هر روز کلی اعصابمون رو خورد می‌کنه، ولی جزء سختی شغلمون حساب نمی‌شه!».

واقعیت این اسـت که سیستم مدیریت شـهری در چند دهه گذشته به اندازه بزرگ‌شدن و تورم در شهر و افزایش جمعیت، سـیستم مدیریت پسماند و ساده‌تری کار یعنی تفکیک از مبدا را درسـت انجام نداده و حالا با یک عارضه مهم مواجه هسـتیم که ماندن بعـد ساعتی شهر را تهدید می‌کند. تهران و همه شـهرهای بزرگ همراه در معرض تهدید از سـوی زباله‌های تولیدی خودشان هستند که اگر حتی کمتر از ۲۴ ساعت روی زمین بمانند، دیگر شهر جای ماندن و نفس‌کشیدن نیسـت. از چرخه بزرگ و پریول و پرمفعت طلای کثیف آنجه تصیب زباله‌گردها می‌شـود همان بوی تعفن و بیماری و ترحم شهروندان و نگاه‌های سنگین رهگذران اسـت. هرچند سهم همان شهروندان هم چیزی جز یک تصویر دلگیر و اندوه‌بار نخواهد بـود کـه هرچند در قالب روزمره آمده و پرتکرار شـده امـا از حجـم دردش برای یک شـهر کم نمی‌کند. در این میان مسـببان و مسـئولان وضـع موجود در همه این سـال‌ها، متنفعان برتری بودهاند و حاشیه‌نشـین‌هایی هـم بودهاند که بدون مسئولیت، سودشان را به جیب زده‌اند.

وقتی به این چرخه مشخص در جمع‌آوری زباله نگاه می‌کنیم می‌کوییم واقعا چرا هیچ وقت یک سیستم مشخص و استاندارد برای جمع‌آوری تعریف نمی‌شود تا شـهروند و افراد نان‌آور در این چرخه بتوانند به آنچه می‌خواهند برسند؟ همه سـازوکارهای اجرایی امکان تغییر و اصلاح دارند و در بسیاری از موارد زمینه‌های تغییـر وجود دارد اما گویا همچنان یک جریان هسـتند کـه نمی‌خواهند این آب گل‌آلود صاف شـود تا عرصه فعالیت آنها خالی نشـود! اگـر این رویکرد در همه شـهرها وجود داشت کمترینش این بود که شهرداری‌ها با رویکرد و سازوکاری تجربه‌شـده و قیمـت‌گـذاری قابل قبول. این بـازار دوگانه و مافیایـی پیمانکاران بازافتـی را جمع می‌کردند و همه در یک مسـیر و یک قیمت و یک سـیستم کار می‌کردنـد. اما منفعت اجازه نمی‌دهد این تفکیک و شفاف‌سـازی صورت گیرد افرادی بانفوذ راضی به کیفیت‌دادن چهره شهر هستند. حالا می‌توان گفت دفعه بعد که در خیابان قدم می‌زنیم یا سـرمان را از ماشین بیرون می‌آوریم و با تصویر دولاشـدن و سـرخم‌کردن یک انسـان در میان زباله‌ها مواجه می‌شـویم، به جز دلـرحمی برای او و فحش و نـامزادادن به هر مسئولی، بایدمان بیاید که این تصویر تنها یک گوشه از چرخه‌ای بیمار است که این‌گونه عیان بیرون زده اسـت. سهم ما به عنوان شـهروندان این شهر مشاهده و عبور هر روز و تکراری از کنار این ترازدی انسانی و سهم دیگرانی که می‌دانیم هستند، پول و پول و پول اسـت.

نه برق تولید کردند، نه ساعت ۹ آمدند!

موضوعات مختلف زیادی وجود دارد که قول اجرای آن را در شـهرهای بزرگ داده‌اند اما امروز جز اخبار عملا افراد در همان زمان پـا اعتباراتی که به نتیجه نرسـیده‌اند یا حتی پروژه‌هایی متوقف‌مانده، چیـزی از آنها در زندگی ما به عنوان شـهروندان شـهرهای بزرگ وجود ندارد. موضوعاتی سـاده و سیستم‌هایی بسیار سـاده مانند راه‌اندازی تاکسـی‌مترو و پرداخت آنلاین تاکسی یا جمع‌آوری مکانیزه زباله دریک سـاعت مشخص (سـاعت ۹) که با کار زمان و آمدن تکنولوژی‌های روز امید فعال‌شـدن تنها بیشتر می‌شد اما هنوز خبری از آنها نشده اسـت. در میان قول‌هایی که مسـئولان شـهری در هر دوره‌ای و متناسب با شـعارهای هر دوره انتخابات داده‌اند، نشانه‌های زیادی از این الزامات مدیریت شهری و نیاز شـهروندان مشـهود اسـت؛ مثلا از سـال‌ها قبل قرار بود تجهیزات جدید و مکانیزه به سیستم جمع‌آوری زباله شـهر بیفزاید تا مخازن مکانیزه شسته شوند. تفکیک از مبدا صورت گیرد، شـیرابه‌ها خشـک یا تبدیل به محصولی غیرمضر شوند و حتی قرار بود برق تولید شود.

لازم نیسـت اینجا از شهرداران که چنین قول‌هایی را دادند و کاری نکردند یا کار را نیمه‌کاره رها کردند و پشـت مسـئولیت دیگری رفتند یاد کنیم. اینجا بیشتر به دنبال دلایل اجرانشـدن این قول‌ها هسـتیم. تولید برق یکی از آرمانی‌ترین اتفاقات سـطح یک شـهر بزرگ مثل تهران بود که بتواند از یک کوره زباله خود برق تولید کند تا از تابستان‌های گرم کمی به داد آن برسد.

هرچند شکل اجرایی این موضوع از حوزه وزارت نیرو هم جدی نگرفت و اعلام کرد میزان برق تولیدی از زباله آن‌قدر ناچیز اسـت که حتی به یک درصد برق کشور هم نمی‌رسد. با این حال شـهرداری تهران کارخانه تولید برق را راه‌اندازی کرد تا مثـلا از روزانه ۳۰۰ تن زباله، حدود دو مگاوات برق تولید کند و شـاید بتواند یک شهرک کوچک ۱۰ تا ۱۵ هزار نفری را جواب‌گو باشد.

این کارخانه در سـال ۹۲ شـروع به کار کرد امـا از همان ابتـدا درمورد برق خریداری‌شـده و کیفیت و میزان آن اختلافاتی بود. این کارخانه که مشارکتی بین شـرکت خصوصی و شهرداری بود نتوانست به نقطه مطلوب و منفعت خود برسد و تاکنون موضوع مقرون به صرفه نبودن این مسیر همچنان مطرح است و وزارت نیرو و شهرداری تهران هم آمار مشـخصی از میزان تولید و عملکرد این کارخانه ندارنـد و گویا همچنان موضـوع قیمت برق با توجه به تحـولات قیمتی مطرح است.

پیمانکاران پسماند تهران که با چند نفر از آنها درجریان این گزارش گفت‌وگو داشتیم بارها موضوع صرفه اقتصادی تجهیزات و ماشین‌آلات مرتبط با پسماند را مطرح کردند که به موضوع تجهیزات کارخانه برق و فیلترهای آن هم اشـاره شد. آنها می‌گویند زباله‌سوزها در تهران و شهرهای دیگر نیاز به فیلترها و تمدید و تعویـض آن دارند و با توجه به تجربه‌هـا و افزایش قیمت دلار و قیمت‌های داخلـی این تعویض صرفه ندارد. آنها می‌گویند بسـیاری از این تجهیزات عملا بلااسـتفاده باقـی مانده‌اند و مسـئولان همراهـی کافی را بـرای فعالیت این مجتمع‌ها و کارخانه‌ها ندارند. سؤال مهم این اسـت که چرا مسئولان شهری تاسـیس زباله را رد نکنند. اما با سـرمایه‌گذار و پیمانکارانی که امکان فعالیت دارند همکاری نکنند.

در این شرایط وقتی به موضوع عملکرد مدیریت شهری و مسئولان اجرایی مرتبط در چند دهه گذشـته نگاه کنیم، آشکار اسـت که کموبیش همه یک درصد برق کشور آن نیست، مسـئله عدم تمایل به اجرای کار اسـت. چرایی‌اش شاید همه هستیم هماهنگی و روندهای کار در حوزه پسـماند از سـاده‌ترین موارد مثل جمع‌آوری در یک ساعت مشخص و تفکیک از مبدا تا تولید برق برای زباله پس از سال‌ها همچنان بدون نتیجه مانده‌اند و به جز چند حرکت و اقدام جزئی، عملا آنچه در شهر اتفاق می‌افتد، تنها جمع‌آوری زباله است که همان کار هم با چالش‌های زیادی روبه‌رو است.

حوزه پسماند نیازمند سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم است

آرش حسـینی‌میلانی، رئیس کمیته محیط زیست و خدمات شهری در دوره پنجم شورای اسـلامی شهر تهران معتقد اسـت که حوزه خدمات شـهری و پسماند در شهر تهران و به تبع آن شـهرهای بزرگ دیگر نیاز به سـرمایه‌گذاری مرتبط با کمک تکنولوژی روز دارند اما و باید در کنار سـیستم‌های پیشرفته به دنبال نوسـازی تجهیزات و خطوط قبلی هم بود. او درباره اقداماتی که در سال‌های گذشته اجرائی شده بود و در دوره پنجم هم پیگیری شد، به «شرق» گفت: یکی از اقدامات مهم که لازم اسـت پیگیری شود و از دوره قبل ما هم به دنبال آن بودیم، سـرمایه‌گذاری در آرادکوه اسـت. در ادوار مختلف خطوط پردازش و تجهیزاتی در آنجا ایجاد شـده که با هر مدل از تکنولوژی‌های روز دنیا امروز دیگر مستهلک شده و نیاز به نوسازی دارد و باید برای آن سرمایه‌گذاری شود.

او با بیان اینکه در دوره پنجم و سـال‌های قبل از ما اقداماتی برای نوسازی و به‌روزرسانی ایـن تجهیزات وجود داشـت و بودجه‌هایی هم اختصاص پیدا کرد که در این دوره هم این پیگیری‌هـا ادامه دارد، افزود: موضوع راندمان عملیات پردازش در این چرخه اهمیت زیادی دارد؛ به‌روزرسـانی و نوسـازی این خطوط، فناوری و دانش خاصی نیسـت که نیاز به خارج کشـور داشته باشـد و می‌توان با توان داخلی آن را انجام داد و مهم‌ترین مسئله درمورد آن تأمین مالی است.

میلانـی همچنین به پروژه بازیافت گاز متان هم اشـاره کرد و گفت: این پروژه با مسـئله تحریم‌ها روبه‌رو شد و طرف کره‌ای که قرار بود برای این پروژه همکاری کند، نیامد. این پروژه قرار بود از محل اعتبارات بازار مبادله کربن و اعتبارات بین‌المللی استفاده کند و هزینه کمی برای کشـور داشـت و درعین‌حال فناوری از کره‌ای‌ها به این پروژه می‌آوردند؛ اما نیامد. البته اگر امروز افرادی با توان داخلی امکان اجرای این پروژه را داشـته باشـند، تنها مسـئله تأمین اعتبارات داخلی مطرح می‌شود.

این عضو سابق شورای شهر تهران همچنین به بهره‌برداری از زباله‌سوز و تولید برق که با مشکلاتی روبه‌رو بود، اشاره کرد و گفت: این پروژه دچار انقضا در تولید شده بود. در دوره قبل سازمان پسـماند مطالبات پیمانکار پروژه را پرداخت کردند تا مشکلات برطرف شود و تولید برق هم تا سـه مگاوات شروع شـد. این پروژه درواقع پروژه‌ای بایلوت و نوعی خط‌شکنی از طرف شهرداری بود که در دوره آقای قالیباف انجام و شروع شد. شهرداری تهران سال‌ها بود که در زمینه ایجاد یک زباله‌سوز و تبدیل زباله به برق بیشروی داشت و در نهایت هم اجرائی شد؛ اما نتایج آن‌طور که مدنظر بود، پیش نرفت.

میلانی افزود: مسـئله مهم درمورد این نوع برق این بـود که برق حاصل از انرژی‌های نو ازجمله برق حاصل از زباله به شـکل واقعی خرید نمی‌شد و برای کارفرما توجیه اقتصادی نداشته است و به نظر می‌رسد هنوز هم این توجیه وجود ندارد. همچنین قرار بود یک نیروگاه ۸۰۰ تنی هم ایجاد شـود که به دلیل عدم تحقق سرمایه‌گذاری خارجی به سرانجام نرسیده اسـت. او با اشـاره به طرح جامع پسـماند تهران تصریح کرد: در این طرح زباله‌سوز تا پنج سال آینده از اولویت خارج شده است و به جای آن بحث اجرای چند موضوع مهم ازجمله نوسـازی آرادکوه و سـاخت و راه‌اندازی چند مجتمع ازجمله همین موارد گفته‌شـده مورد تأکید قرار گرفته اسـت. هرچند که عده‌ای در شهرداری و معاونت خدمات شهری در مجموع معتقد هستند زباله‌سوز باید باشد و به دنبال اجرای آن هم بودند و هستند.

میلانی به اجرای پروژه MRF در داخل شـهر تهران اشـاره کرد و گفت: یکی از آنها را در منطقه ۲۲ اجرا کردند و در منطقه ۱۳ هم کارهایی انجام شـد که امروز کلا با مسئله تزریق اعتبارات روبه‌رو شده‌اند. این پروژه‌ها، پروژه‌های سرمایه‌گذاری مهمی هستند که تا جایی که من اطلاع دارم، در این دوره هم به‌شـدت به دنبال اجرای آنها هسـتند تا به نتیجه برسـانند. البته برخی از موارد هم گویا نیازمند مجوزهای زیست‌محیطی بودهاند.

این عضو سابق شورای شـهر تهران یکی از موضوعاتی را که باعث تحقق اهداف در این حوزه می‌شـود، یکدسـت‌بودن و همگرایی در مدیریت شـهری عنوان کرد و گفت: در دوره شـورای پنجم همگرایـی خوبی بین سـازمان مدیریت پسـماند، زیرمجموعه‌های معاونت خدمات شـهری و شـورا وجود داشـت و در آن زمان مشـکلاتی در مقابل این پروژه‌ها نداشـتیم. مثلا موضوع افزایش کیفیت کمپوست در آرادکوه عملیاتی شد و دستاورد خوبی برای شـهرداری بـود و مجوزهای لازم را گرفتند و امروز اسـتفاده می‌شـود. البته در حوزه خدمات شهری و برخی پیمانکاران مقاومت و جریان‌های مافیایی وجود دارد و طبیعی است کـه هر نوع پروژه یا برنامه‌ای که روند منفعت این افـراد و گروه‌ها را تغییر دهد، با مقاومت روبه‌رو می‌شـود؛ اما در حوزه سـرمایه‌گذاری و آوردن تکنولوژی‌های جدید مقاومتی وجود ندارد.

او افزود: وقتی قرار اسـت منفعت یک جریان مافیایی را به خطر بیندازند، طبیعی اسـت که سـنگ‌اندازی شود و نگذارند پروژه‌ها اجرا شـود. البته ناگفته پیدا اسـت که اگر شهرداری بخواهـد این روند را اصلاح کند، امکانش را دارد و مهم‌تریـن کاری که باید انجام دهد، این اسـت که ذی‌نفعان این پروسه را مورد ارزیابی قراردهد.

میلانی یکی از مهم‌ترین ذی‌نفعان و اثرگذاران روی پروژه‌های پسماند در تهران را خود شهروندان برشـمرد و گفت: شهروندان باید از این طرح‌ها که رویکردی اقتصادی-اجتماعی و زیسـت‌محیطی دارند، حمایت کنند و اگر سطح مشـارکت‌پذیری مردم پایین باشد، بهترین پروژه‌ها هم به موفقیت نمی‌رسند. در همین دوره اخیر پروژه کاب اجرائی شـد که تفکیک پسـماند و کاهش مخازن روباز را دنبال می‌کرد؛ اما فضای اجتماعی و مشارکتی از زبان زید موفق نبود و امروز هم شـاهد این اثر نیست. در دوار گذشته شهرداری‌ها طرح‌های مختلفی برای تفکیک داشته‌اند؛ اما هیچ وقت موفق نبوده‌اند و به همین‌دلیل تاکید داریم که نمی‌توان آمرانه پروژه‌ای را که یک سر آن مردم هسـتند، اجرائی کرد.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با یکی از پیمانکاران چرخی پسماند خشک تهران

۳۰ درصد پسماند را می‌دزدند

کاهش تنازپسماند خشک ارتباط مستقیمی با قدرت خرید مردم دارد

**همیشه داستان جمع‌آوری پسـماند را از زاویه زباله‌گردها یا عوامل شهرداری شنیده‌ایم و کمتر به روایت پیمانکار شـهرداری که با چالش‌های زیادی هم مواجه اسـت، گوش داده‌ایم. هرچند پیمانکاران شهرداری با یک عنوان کلی اطلاق می‌شوند و درست با غلط در اذهان عمومـی رویکرد و نگاه مثبتی به آنها وجود ندارد، اما این گروه شـغلی هم با شرایط و مشکلات خودشان روبه‌رو هستند؛ مخصوصا پیمانکاران حوزه پسماند که بخشی از چالش‌هایشان برای افراد و شـرکت‌هایی متفرقه است که به پ